

مرکز رشد پژوهشگاه در مرکز اقیانوس شناسی خزر در نوشهر فعال می شود

معاون فناوری پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی، از تعریف، ایجاد ملزومات و زیرساخت های لازم به منظور آغاز فعالیت مرکز رشد پژوهشگاه در مرکز اقیانوس شناسی خزر(نوشهر) خبر داد که پیش از این مجوز موافقت اصولی برای راه اندازی مرکز رشد از سمت معاونت فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در فروردین سال جاری صادر شده بود.

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه، دکتر سیدمسعود محموداف هدف از ایجاد مرکز رشد در پژوهشگاه را؛ شناسایی ظرفیت های فناوری کشور، هموارسازی مسیر رشد و کوله تاه کردن و تسریع در فرایند تبدیل علم به ثروت در حوزه صنایع دریایی اعلام نمود و در ادامه، لزوم توجه به حمایت از حوزه فناوری در صنایع دریایی و علوم جوی را مورد تاکید قرار داد.

وی ضمن بیان این مطلب که فناوری یک گام تکمیلی به منظور عملیاتی نمودن نتایج پژوهش است و ما باید پژوهش های کاربردی را به سمت ایجاد و تولید فناوری های جدید در عرصه های علوم و صنایع مختلف سوق دهیم، افزود: با دعوت و جذب فناوران و صاحبان ایده های فناوری در حوزه دریا در صدد این هستیم بتوانیم این مرکز رشد را بصورت کاملا موثر در راستای بالندگی صنایع مختلف دریایی کشور فعال نمائیم.

وی وظیفه پژوهشگاه را، ایجاد بستر و همواره کردن مسیر برای توسعه و تعالی فناوری های مختلف دریایی عنوان کرد و گفت: بسیار امیدوار هستیم با استقبال فعالین فناوری دریایی در کشور، مرکز رشد پژوهشگاه بتواند نقش خودش را به خوبی و به زودی در صنایع دریایی کشور پیدا کند و به هدف نهایی خودش که ارتقای فناوری دریایی در کشور است برسد.

گفتنی است که مرکز رشد پژوهشگاه در ایستگاه اقیانوس شناسی دریای خزر(نوشهر) مستقر است و ریاست این مرکز را دکتر احمد منبوهی برعهده دارد. محموداف در خصوص تکمیل فرآیند اخذ مجوز آغاز فعالیت مرکز رشد گفت: دراین خصوص فرایند درخواست مجوز مربوطه در زمان خودش به وزارت عتف و شورای سیاست گذاری فناوری ارایه شده و با تلاش و پیگیری فراوان پیش بینی می شود به زودی مجوز آغاز فعالیت صادر و ان شالله نتایج درخشانی در آینده برای کشور در حوزه علوم دریایی و اقیانوسی محقق گردد.

معاون فناوری پژوهشگاه وظیفه مرکز رشد را، ارایه تسهیلات به منظور هدایت و تبدیل ایده های فناورانه حاصل از پژوهش به سمت استقرار و تاسیس به شرکت های دانش بنیان و فناور عنوان و اظهار کرد: انتظار می رود با انجام و اجرای یک طرح پژوهشی کاربردی، نتیجه ی آن طرح پژوهشی به یک محصول یا یک ایده فناری تبدیل شود. کمک به توسعه و بالندگی ایده های فناوری و رساندن به بازار فروش و بازدهی اقتصادی مورد نظر بر عهده مراکز رشد و پارک های علم و فناوری است.

محموداف، انجام فراخوان جذب و شناسایی صاحبان ایده های فناورانه و فنساوران حقیقی و حقوقی را از برنامه های مرکز رشد بیان نمود و گفت: مخاطبین این مرکز رشد فقط اعضای هیئت علمی پژوهشگاه نیست بلکه هدف تمامی فناوران، شرکت ها و صاحبان ایده در حوزه دریا در کشور است.



گروه دانش دریا – ایرج اعتمادی – نویسنده در ابتدای داستان، کلماتش را تند، گزنده و پر قدرت به سوی مخاطب پرتاب می کند و گویا به صورت خواننده سیلی می زند؛ شاید بار روایی سنگینی که در جملات است، این طور می نماید. کلماتی که بار تباهی و سیاهی جامعه‌ای متأثر از جنگ و استعمار را به دوش می کشد. زمانی با مضمون درد و رنج انسان‌ها متأثر از جنگ؛ جنگ‌هایی که مردم هیچ نقشی در آن ندارند و نه حتی می‌بینند، اما پیامدهای تلخ و شوم آن را بر جزء جزء زندگی‌شان لمس می کنند و درد می کشند و دور از جنگ می‌میرند.

ایرج اعتمادی، نویسنده و روزنامه نگار در نوشتاری به روزنامه دریایی اقتصادسراسر آمده است: داستان از «لوغان» آغاز می‌شود و در «بندری دور از لوغان» به پایان می‌رسد. لوغان، صحرایی در نزدیکی مسقط، که در خیمه‌های بیابانی‌اش مردان و زنانی می‌زیند که برای مردن؛ و نوزادانی را به دنیا می‌آورند که بمیرند و یا مادرانشان بمیرند! اگرچه این زیستن‌ها و زاد و ولد با آگاهی از این دردهاست، اما ناگزیر به ادامه‌ی حیات هستند. این رمان روایت آدم‌هایی است که یا از شدت فقر و گرسنگی می‌میرند یا عاشق می‌شوند و می‌میرند.

آنچه در وهله‌ی نخست از نظر فرم اثر به چشم یک منتقد می‌نشیند، انتخاب زوایه دید نویسنده و نوع روایت داستان است. اگرچه روایت داستان از «زاویه دید اول شخص» است، اما با تکنیکی که در روایت و انتخاب روایان به‌کار برده توانسته به صورت «دئای کل» به ماجرا نگاه کند؛ هر بار راوی داستان عوض می‌شود و از منظر راوی دیگری داستان دنبال می‌شود. این شیوه روایت، شاید یکی از زیبایی‌های چشم‌نواز این رمان بود که نویسنده بر تمام روایای داستان احاطه داشت و جای ابهامی برای خواننده نمی‌گذاشت. داستان از پیرنگ قوی بر خوردار است. پیوستگی موضوع داستان چنان بود که حتی بر هم زدن توالی زمان و مکان، آنجا که نویسنده ناگزیر با «بازگشت به گذشته» تاریخچه‌ای از سوابق زندگی کاراکتر هایش به دست می‌داد، خللی در خط سیر داستانی ایجاد نمی‌کرد و برای خواننده قابل پذیرش بود.

«دیالوگ»های داستان کاملاً طبیعی و زنده بود و به پیشبرد داستان کمک می‌کرد، و بعضاً بار روایی داستان را به دوش می‌کشید اما برخی «مونولوگ‌هایی که نویسنده به قصد پیشبرد داستان همزمان با شرح حال درونی کاراکتری و از تکنیک جریان سیال ذهن استفاده کرده بود، طولانی و گاهی اطناب به نظر می‌رسید در حالی که می‌توانست به شکلی دیگر

این بخش از صحنه‌های داستان را پیش ببرد. «شخصیت‌پردازی» در این رمان اگرچه می‌توانست به لحاظ گستردگی کاراکترها قوی‌تر باشد اما در اکثر بخش‌ها خوب کار کرده بود و کاراکترهای جاندار، زنده و ملموسی خلق کرده بود که در ذهن و خیال خواننده به خوبی تکامل می‌یافت؛ شخصیت‌هایی پویا و تحول‌گرا از جمله، ماحلیمه، مریم دلشاد، فریده عبداللطیف لوماه، ماموزی، فردوس و به ویژه کاراکتر دلشاد و... که به خوبی و زیبایی پرداخته و ساخته شده بود تا جایی که تا مدت‌ها در ذهن خواننده می‌تواند حک شود و هر کدام از این شخصیت‌ها می‌تواند نمادی از مسقط در یک دوره تاریخی باشد به ویژه کاراکتر دلشاد که جا و بیجا می‌خندید، گاهی بر مرگ‌ها و گاهی بر سخت‌ترین دردی که ممکن بود برای یک انسان پیش بیاید، می‌توانست نمادی از رنج و درد مسقط در یک دوره تاریخی باشد که از زیر بار نااملایمات فرحان در می‌آید و این کاراکتر فرحان(دلشاد) امیدی است برای شهری بندری که محکم و پابرجا ایستاده و از تباهی سر بر می‌آورد همچنان که دلشاد.

داستان با دلشاد آغاز می‌شود و با کاراکتری یک نسل بعدتر پایان می‌یابد. در این میان شخصیت‌ها و کاراکترهایی می‌آیند و می‌روند و هر یک، بار روایت داستان را به دوش می‌کشند، شاید همه به نوعی می‌خواهند تنها روایت دلشاد را بیان کنند، اما در خلال آن با روایت‌ها و ماجراهایی خواننده را درگیر می‌کند و مقطعی از تاریخ مسقط را به دست می‌دهد؛ تاریخ استعمار انگلیس بر بخش‌هایی از منطقه خلیج فارس، دریای عمان و سسواحل مکران را به تصویر می‌کشد. دوره‌هایی تاریخی از حکومت سلطان تیمور و پسرش سلطان سعید را به دست می‌دهد و نوع تعامل آن‌ها را با انگلیس به شکلی گذرا نشان می‌دهد. جسارت نویسنده در ساخت و پرداخت این مقطع از تاریخ عمان ستودنی است. او وقایع تاریخی را به رمان می‌کشاند و با خیال‌پردازی به آن پر و بال می‌دهد و از دل تاریخ گفته‌ها و ناگفته‌هایی را از منطقه‌ای روایت می‌کند که جزئی از منطقه‌ای جغرافیایی وسیع‌تر در خاورمیانه است که تا این سوی خلیج فارس و دریای عمان می‌رسد. ما می‌دانیم که انگلیسی‌ها در جنگ جهانی دوم بر سرتاسر منطقه خلیج فارس و دریای عمان تسلط داشتند و در ادبیات ما نیز به اشکال مختلف بازتاب یافته است. حضور استعمار در منطقه جز قطعی و فقر و بیماری و رنج مردمان عایدی دیگری نداشت. این موضوعات در ادبیات داستانی ما نیز راه یافته است از جمله رمان سوشون‌اثر سیمین دانشور که به پیامدهای جنگ جهانی دوم پرداخته است. رمان دلشاد صدای نسل اندر نسل زنان و



کودکان بی‌پناه است، از نسل ماحلیمه و بلکه بیشتر شروع می‌شود و تا چند نسل بعدتر به نسل امروزی‌تر داستان ختم می‌شود. در این فاصله دردها و تبعیض‌های جامعه زنان را در یک موقعیت جغرافیایی متأثر از نگاه سستی و مردسالارانه به زن را به تصویر می‌کشد. داستان ابتدا از محله‌های فقیرنشین بادیه به حاشیه مسقط شروع می‌شود و تا بنادر تجاری مهم جهان سفر می‌کند. حاشیه‌نشین‌هایی که اغلب ترکیبی از اقوام مختلف بلوچ، عرب، هندی، آفریقایی و... است و زبان‌های رایج کاراکترهای داستان، اغلب عربی و بلوچی و هندی – اردو است. نگاه جنگ‌ستیزی نویسنده در همه جای داستان دیده می‌شود؛ جنگ و استعمار را و تباری‌کنندگان در هر شکل و لباسی محکوم می‌کند و این در همه جای داستان مشهود است. در این رمان با پیش کشیدن مضامین اخلاقی، با دست دادن تصاویری از زندگی برده‌ها، با برده‌داری و برده‌فروشی مبارزه می‌کند. به نبود تحصیل و آموزش به ویژه عقایدی که برای منع

نقدی بر رمان «دلشاد» کتاب گرسنگی و سیری «اثر بشری خلفان نویسنده عمانی» روزنامه دریایی سراسر منتشر کرد؛

بازینی استعمار انگلیس بر بخش‌هایی از خلیج فارس دریای عمان و سواحل مکران

دلشاد اثری ضد جنگ و استعمارستیز

ترکیب جمعیتی و قومی محل وقوع داستان به نظر می‌رسید کامل نیست، مخصوصاً آنجا که قومیت هندوها را به آلبانیایی‌ها ترجمه کرده بود که در صفحات زیادی از کتاب این اشتباه –ترجمه رخ داده بود. این واژه در زبان اصلی «البنیان» آمده که در ادبیات عرب به هندوهای بودایی گفته می‌شود. در جاهایی ترجمه تحت اللفظی، معنا و پیام نویسنده را دچار اشکال کرده است. برای مثال: در سطر سوم صفحه اول کتاب، سیح المالح که اسم خاص منطقه‌ای در نزدیکی مسقط است در ترجمه تحت اللفظی به نمکزار ترجمه شده که از نظر مفهومی جمله را به هم ریخته است؛ و اگر هم درست باشد نیاز به زیرنویس داشت. راوی می‌خواهد بگوید: «در منطقه سیح المالح دنبال گنج می‌گشت.» در ترجمه تحت اللفظی آمده است: «در نمکزار دنبال گنج می‌گشت.» در حالی که این اسم خاص نیازی به ترجمه نداشت و بلکه مثل خیلی از مناطق دیگر داستان نیاز به معرفی در زیرنویس داشت. نبود زیرنویس یکی از ضعف‌های ترجمه بود که می‌توانست با نوشتن پاورقی خیلی از مفاهیم و آیین‌های بینافرهنگی و با اسامی مناطق و حوادث اجتماعی و سیاسی مثل جنگ‌ها، به خواننده فارسی‌زبان در شناخت بیشتر منطقه جغرافیایی و فرهنگی داستان کمک کند. چند مورد اشکالاتی هم در بحث ویراستاری ترجمه وجود داشت که قابل رفع است.

گفتنی است بشری خلفان متولد ۱۹۶۹ میلادی در کشور عمان است، شاید بتوان او را جزء نسل سوم یا چهارم داستان‌نویسی در جهان عرب به شمار آورد. همانطور که می‌دانیم، رمان و به طیار کلی ادبیات داستانی نوین محصول دوره رنسانس و نوزایی ادبی در جهان غرب است که در جهان عرب قدمت یرینه‌ای ندارد، به طوری که می‌توان گفت رمان در ایران و جهان عرب تقریباً سابقه‌ای تاریخی نزدیک به هم دارد و قدمت و بیش از «صد تا صد و پنجاه سال» بیشتر نمی‌رسد. همانقدر که ما ایرانیان محمدعلی جمالزاده را پدر داستان‌نویسی مدرن در ایران می‌دانیم، جهان عرب نیز نجیب محفوظ نویسنده مصری را پیشگام داستان‌نویسی مدرن در جهان عرب می‌داند تا جایی که نجیب محفوظ به شکسبیر جهان عرب مشهور است.

با مطالعه این اثر می‌توان به رشد ادبیات داستانی در بخش‌هایی از جوامع سنتی ما و نیز کشورهای با قدمت فرهنگی و تاریخی منطقه خلیج فارس امیدوار شد؛ چرا که رمان به عنوان یک پدیده‌ی ادبی مدرن محصول غرب، هنوز نتوانسته در برخی از جوامع سنتی جا باز کند، نه خوانندگان زیادی از این طیف جوامع دارد و نه نویسندگانی که با جسارت و شجاعت بشری خلفان بتوانند از خط قرمزها و تابوهایی که لاجرم در رمان پدیدار می‌شوند، عبور کنند؛ رمان در جوامع سنتی هنوز مهجور مانده است. این رمان جدای از موضوع و مضمون داستان، به خاطر درخشش این جنبی یک نویسنده زن در منطقه، نگاه مخاطب را به بافت سنتی کشور عمان نیز عوض می‌کند. رمان دلشاد –کتاب گرسنگی و سیری– در هشتمین دوره جایزه ادبی کنارار در قطر به عنوان رمان برتر جهان عرب انتخاب شده است. همچنین در فهرست نهایی شش نامزد برتر پانزدهمین دوره جایزه بین‌المللی ادبیات داستانی جهان عرب در جشنواره ادبی امارات متحده عربی –ابوظبی سال ۲۰۲۲ قرار گرفته است.

این کتاب برای اولین بار در سال ۲۰۲۱ میلادی به زبان عربی در پانصد صفحه از سسوی انتشارات تکوین در کشور کویت منتشر شد. در ایران با ترجمه اصغرعلی کرمی – توسط انتشارات نگاه در تهران، با تیراژ ۳۰۰ نسخه، در ۳۶۰ صفحه، چاپ اول: آبان ۱۴۰۲– منتشر شده است.

بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریبا عزیزی – اقتصاد سراسر آمد